

# ارزیابی نماد ورودی شهرها بر مبنای مؤلفه‌های کالبدی طراحی

## مطالعه موردی: نماد ورودی شرقی شهر قزوین

ناصر براتی - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ایران.  
سیده نسیم نجفی تروجنی<sup>۲</sup> - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، مدرس دانشگاه پیام‌نور ساری، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۵

### چکیده

شهر مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌هایی است که مفاهیم گوناگونی را بیان می‌نماید. مبادی ورودی شهر، به سبب تأثیر بسزا در تصورات مخاطبان از شهر در نگاه نخست و در حقیقت در ابتدای ورود به آن، از مهم‌ترین مکان‌های قرارگیری نشانه‌ها و نمادها در ساختار شهری محسوب می‌گردند؛ لذا نشانه‌های ساخته شده در ورودی، با گذشت زمان، به نمادهایی بدل می‌گردند که تمامیت شهر را به نمایش گذاشته و سعی در معرفی آن به مخاطب دارند. در این راستا المان‌های ورودی شهرها به عنوان یک نماد شهری، عناصری هستند که باید دقت لازم در طراحی آنها اعمال گردد تا ضمن پذیرفته شدن توسط مخاطب، تصور مناسبی از شهر را در ذهن ناظر متبادر سازند. بر این اساس هدف از انجام این پژوهش، دستیابی به اصول لازم در طراحی نمادهای ورودی شهرها و ارزیابی کیفیت نماد ورودی شهر قزوین بر اساس معیارهای کالبدی به دست آمده می‌باشد. در راستای رسیدن به هدف یاد شده، معیارها و شاخصه‌های لازم با مطالعه منابع کتابخانه‌ای استخراج گردیده و المان مینودر (به عنوان نمادی نوساز در ورودی شرقی شهر قزوین) مورد مطالعه قرار گرفته است. نظرات مخاطبان بر اساس دو گروه مردم و دانشجویان، کارشناسان و متخصصان معماری و شهرسازی در مورد نماد بررسی شده و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفته است. بر مبنای موارد مطرح شده، روش انجام این پژوهش را می‌توان توصیفی مطالعه موردی دانست. زیبایی، خوانایی اثر و معرفی شهر، سه معیار اصلی طراحی نماد ورودی یک شهر می‌باشند. بر مبنای مطالعات انجام‌گرفته، عمده ضعف موجود در نماد ساخته شده ورودی شهر قزوین، عدم ارتباط با هویت شهر و سختی درک معنای آن توسط مخاطب می‌باشد.

واژگان کلیدی: نشانه، فرهنگ، نماد شهری، ورودی شهر، قزوین.

۸۱

شماره نوزدهم

تابستان ۱۳۹۵

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

ارزیابی نماد ورودی شهرها بر مبنای مؤلفه‌های کالبدی طراحی

۱ این مقاله از طرح پژوهشی «سیده نسیم نجفی تروجنی» در درس «سمینار» به راهنمایی «دکتر ناصر براتی» در گروه شهرسازی-طراحی شهری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) استخراج شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: snasim.najafi@gmail.com

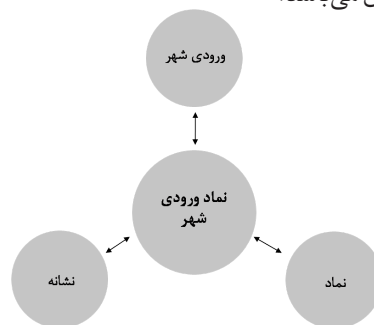
## ۱. مقدمه

شهر مکانی است شامل علائم و نشانه‌های گوناگون که هریک مفهومی را در ذهن مخاطب متبادری می‌سازند؛ علائمی که احساسی را در ناظر برمی‌انگیزد و در بسیاری موارد او را بر انجام کاری ترغیب کرده یا از انجام کاری باز می‌دارد. در این میان، نشانه‌های ساخته شده توسط انسان بیشترین سهم را در محدوده سکونتگاه‌های انسانی به خود اختصاص داده‌اند. در حقیقت تمامی ساختمان‌ها، تابلوها، مبلمان شهری و ... نشانه‌هایی مصنوع هستند که پیام‌هایی را بیان می‌نمایند.

در میان علائم و نشانه‌هایی که به صورت عام در تمام زمینه‌ها مطرح می‌گردند، برخی علائم به صورت خاص در شهر به عنوان نشانه‌های شهری شناخته می‌شوند. برخی از این نشانه‌ها به سبب موقعیت قرارگیری و به دلیل انتقال مفاهیم ارزشی و منطبق با فرهنگ و اعتقادات مردمی مورد پذیرش عموم قرار گرفته و با گذشت زمان به یک نماد شهری با مفاهیم خاص تبدیل می‌گردند. نشانه‌های ورودی شهری نیز از جمله عناصری هستند که به سبب حجم بالای مخاطب آنها (اعم از ساکنان شهر و مسافران) امکان تبدیل به یک نماد شهری را دارا می‌باشند. در حقیقت نشانه‌های ورودی شهر باید به گونه‌ای مبین فرهنگ عامه مردم و ویژگی‌های خاص شهر بوده تا ضمن عملکرد خود به عنوان نماد ورودی به یک شهر خاص، به عنوان معرف شهر، از سوی ساکنان و مسافران پذیرفته گردند.

نماد ورودی شهر قزوین (از سمت تهران) در میدان مینودر این شهر، از جمله عناصر شهری است که به تازگی ساخت آن به اتمام رسیده است (البته تنها ساخت کالبد المان). ساخت این المان در ورودی قزوین نظرات گوناگونی را به دنبال داشته است. بنابراین در این پژوهش، مسئله اصلی، طراحی مناسب نمادهای ورودی شهر و سنجش کیفیت کالبدی نماد ورودی قزوین می‌باشد. برای این اساس سئوالات تحقیق بدین صورت مطرح می‌گردد: معیارهای طراحی نماد ورودی شهر کدامند؟ میزان مقبولیت نماد ورودی قزوین در میان مخاطبان چگونه است؟ در کدام جنبه از طراحی کالبدی نماد مینودر نیاز به بازبینی و اصلاح وجود دارد؟

بر مبنای مسائل مطرح شده، هدف از انجام پژوهش، شناسایی معیارهای طراحی نمادهای ورودی شهر به منظور طراحی مناسب این نمادها در آینده و همچنین ارزیابی میزان موفقیت نماد ورودی قزوین به کمک این معیارها و تلاش به منظور بهبود کیفیت آن در صورت امکان می‌باشد.



نمودار شماره ۱: مفاهیم تأثیرگذار بر نماد ورودی شهر

## ۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر با هدف کاربردی و با روش توصیفی-مطالعه موردی به بررسی نظرات مخاطبان در باب نماد ورودی قزوین پرداخته است. جمع‌آوری اطلاعات پژوهش در بخش مبانی نظری به کمک منابع کتابخانه‌ای و در بخش مطالعه موردی به کمک پرسشنامه (به صورت نیمه‌باز) و بر حسب نیاز، مصاحبه با مخاطب منطبق با سئوالات پرسشنامه انجام پذیرفته است.

در این پژوهش دو دسته کلی جامعه مورد توجه قرار گرفته است. دسته نخست ناظرانی هستند که نماد را دیده‌اند که خود به دو دسته قزوینی و غیرقزوینی (مسافران) قابل تقسیم‌اند، (محدوده سنی مورد نظر در این پژوهش ۱۸ سال به بالا می‌باشد). دسته دوم دانشجویان، کارشناسان و متخصصان معماری و شهرسازی هستند که امتیازدهی به مؤلفه‌های کالبدی را انجام داده‌اند. بنابراین به طور کلی ۲۰۰ نفر نمونه در این پژوهش مد نظر قرار گرفته‌اند که از این تعداد ۱۰۰ نفر مربوط به گروه نخست و ۱۰۰ نفر مربوط به گروه دوم می‌باشند.

نمونه‌ها در دسته نخست بدین گونه به دست آمده است: در سه روز و در دو مکان متفاوت (ترمینال قزوین و ایستگاه اتوبوس پارک-سوار قزوین که به سبب تقاطع خطوط متعدد با مخاطبان فراوانی روبروست)، در بازه زمانی دو ساعته، اشخاصی که در مکان حاضر به پاسخگویی به پرسشنامه بودند، بدین منظور مورد مطالعه قرار گرفتند. همچنین ۲۰ پرسشنامه در اختیار نمونه‌های در دسترس دارای پراکندگی نسبتاً مناسب در گروه‌های مختلف جامعه آماری، قرار گرفت.

گفتنی است پیش از انجام پژوهش پایلوت کار با توزیع هشت پرسشنامه در جامعه هدف نخست انجام گرفت که تغییراتی پس از آن اعمال گردید.

بخش دوم پرسشنامه‌ها مربوط به امتیازدهی به شاخصه‌های پژوهش می‌باشد که در این قسمت، پرسشنامه به دانشجویان، کارشناسان و متخصصان شهرسازی و معماری ارائه شده و ضمن امتیازدهی شاخصه‌ها، نظرات آنان در مورد نماد ورودی مورد بررسی قرار گرفته است. در مورد ارزیابی شاخصه‌ها، عدد ۶ بالاترین و عدد ۱ پایین‌ترین امتیاز تخصیص یافته به هر مورد بوده که قرارگیری میانگین امتیازات هر شاخصه در زیر میانگین (۳،۵) نشانه ضعف شاخصه و قرارگیری در بالای میانگین، نشانه قوت نسبی آن می‌باشد.

تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS انجام گرفته که در آن ضمن بررسی آمارهای مربوط به میزان رضایتمندی مخاطب از نماد ورودی قزوین، شاخصه‌های کالبدی شناسایی شده در مبانی نظری پژوهش، در مورد نماد ورودی قزوین مورد بررسی واقع شده است.

## ۳. مبانی نظری

## ۳.۱. ورودی شهر

دروازه یک مکان، در دید نخست مدخلی است که امکان حضور در آن محیط را فراهم می‌سازد و امکان حرکت در مراحل بعد را فراهم می‌آورد. " ما معمولاً به هنگام ورود به یک فضا، به سرعت

امکان‌ها، گزینه‌ها و جذابیت‌های آن را شناسایی می‌کنیم و به این ترتیب، درباره حرکت بعدی خود در مکان مزبور، تصمیم می‌گیریم" (Carmona & Tiesdell, 2011: 310). بنابراین می‌توان گفت از نظر ادراکی، این مدخل بیانگر خصوصیات درونی فضا و مبین ویژگی‌های ساکنان آن می‌باشد.

ورودی شهر نیز فضایی است که ارتباط فضای خارج از محدوده شهر را، با درون آن امکان‌پذیر می‌سازد؛ مفصلی است که ورود به فضایی متمایز را اعلام می‌دارد و نشانه‌ای است که موجودیت شهر را بیان می‌نماید. ورودی، از دیرباز یکی از عناصر اصلی ساختار شهر را شکل داده و متأثر از عوامل گوناگون، به حالات مختلف نمود پیدا کرده است. در شهرهای تمدن‌های کهن توجه به مکانیابی مبادی ورودی شهر در انطباق با اعتقادات سنتی مورد توجه بوده است، چنان‌که در شهر چینی می‌توان دید: "اعتقاد سنتی به جهان مربع شکل در یک شهر که از طریق دیوارها احاطه می‌شد... هریک از دیوارهای چهارگانه دروازه‌ای رو به یکی از چهار قسمت جهان داشت که در ارتباط نمادین با یک حیوان، یک رنگ، یک

فلز یک فصل و غیره قرار می‌گرفت... قصرهای معابد و دروازه‌های شهر نوعی نظم اجتماعی را از طریق ارتباط دادن آن با نظم کیهانی به وجود می‌آورند" (Madanipour, 2011: 13). به طور کلی دروازه‌ها از جمله عناصر اساسی در یک شهر محسوب می‌شدند: "... این دروازه‌ها در لبه خارجی محدوده شهر یعنی در حصار آن جا داشتند. در قدیم سواد (ریض یا حومه) معدودی از شهرهای بزرگ دارای حصار و دروازه‌های جداگانه بود که جزو دروازه‌های بیرونی شهر به شمار می‌آمدند. همه دروازه‌های بیرونی همواره در امتداد مسیر جاده‌ها و راه‌های منتهی به شهر قرار داشتند" (Soltanzadeh, 1993: 142). با گذشت زمان و پدید آمدن تحول در فعالیت‌های شهرها و ارتباطات، حصارهای شهری رو به نابودی نهادند و به تبع آن دروازه‌های شهر تخریب شده یا به صورت نادر به عنوان یک نماد شهری حفظ گردیدند. نمادی که به سبب رشد شهر از پیرامون در بافت میانی شهر واقع شده و یادآور ورودی شهر و حدود آن در گذشته می‌باشد؛ بنابراین در شهرهای معاصر ورودی به معنای قدیم آن وجود ندارد.



تصویر شماره ۲: دروازه ورودی قدیم شهر قزوین (دروازه تهران قدیم)



تصویر شماره ۱: ورودی قدیم شهر شیراز (دروازه قرآن)

ورودی شهرهای قدیم دارای ویژگی‌های ادراکی و عملکردی بودند. ویژگی‌های ادراکی ورودی شهرها شامل دعوت کردن، هویت بخشیدن، ایجاد حس ورود، آماده ساختن برای درک فضای جدید، برقراری ارتباط ادراکی و بصری بین دو فضا و ویژگی‌های عملکردی شامل برقراری ارتباط فیزیکی بین دو فضا، تأمین امنیت و نظارت بر ارتباط، هدایت، معرفی شهر و حضور فضای ورودی در فعالیت‌های روزمره شهر بوده است (Bahreiny & Alitaleb, 2003: 16-17). این ویژگی‌های ورودی، در بسیاری جهات، قابل انطباق با ورودی‌های شهرهای امروزیست، اما ورودی‌های شهر در دوران معاصر، نه تنها این خصایص را به کمال به نمایش نمی‌گذارند، بلکه در بسیاری موارد نماینده ضعف‌های ادراکی و دیداری بوده و آشفتگی‌های بصری و نماهای نامناسب جداره‌های تعمیرگاه‌های اتومبیل، انبارهای متروک و ... پذیرای وارد شوندگان به شهر می‌باشند. ورود به شهر توسط خودرو و از طریق مسیرهای عبوری، بارزترین نوع ورودی شهر است که به کار بردن مناسب معیارها و طراحی مناسب آن تأثیر بسزایی در چهره شهر می‌گذارد. در طراحی مسیرهای ورودی به شهر، توجه به سرعت حرکت نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. بنابراین باید نقش سرعت حرکت در محیط و منظر و تأثیر آن بر ادراک مد نظر قرار گیرد. از سوی دیگر، در طراحی مناسب

عناصر ورودی شهر باید دقت لازم انجام پذیرد، زیرا عنصری که در فضا قرار می‌گیرد، کیفیتی مجسمه‌وار پیدا می‌کند؛ اگرچه به صورت فرم شناخته می‌شود، ولی رابطه‌ای متقابل با فضا برقرار کرده و آن را تعریف می‌کند. با حرکت فرد در فضا و تغییر موقعیت او، رابطه‌ای پویا و متحول میان عنصر و فضا، عنصر و لبه فضا و عنصر و سایر عناصر شکل می‌گیرد و فضا برای فرد دارای هویت می‌گردد. این عناصر هویت‌بخش در دو دسته طبیعی و مصنوع جا می‌گیرند (Gharib, 2003: 31). نسبت استفاده از هر کدام از این عناصر، بر اساس خواص ویژه شهر، در طراحی ورودی آن، نه تنها می‌تواند شهر را در نگاه نخست به ناظر معرفی نموده و هویت‌ساز ورودی باشد، بلکه نوعی احترام به وارد شونده و حالت دعوت‌کنندگی را فراهم می‌آورد.

### ۳،۲. نشانه و نماد

جهان مجموعه‌ای از نشانه‌هایی است که آدمی با تفسیر آنها و درک معنای شان، به برقراری ارتباط با محیط پیرامونی می‌پردازد. اما نشانه در معنای خاص آن موضوعی است که در وهله نخست فردی به نام فردینان دوسوسور در مطالعات زبان‌شناسی آن را مطرح نمود. "زبان، نظامی است که در یک سوی آن «پیام» و در سوی دیگرش نمادها و نشانه‌ها قرار دارند. فردینان دوسوسور این

دو سورا دال و مدلول<sup>۱</sup> می‌خوانند" (Ramin & Other, 2010: 663). فردینان دو سوسور در «درس زبان شناسی عمومی» در تعریف نشانه این چنین می‌گوید: «... من ترکیب یک مفهوم با یک تصویر آوایی را نشانه می‌نامم، اما کلمه نشانه در کاربرد رایجش عموماً دال بر یک تصویر آوایی یا یک واژه مثلاً (درخت و غیره) است» (Saussure, 181: 2009). «از نظر سوسور هر عنصر نشانه‌شناسانه باید درون مجموعه‌ای که خود جزئی از آن تلقی می‌شود، مطالعه شود تا معنای آن از جایگاهش در میان مجموعه استخراج شود» (Tabeyi, 2005: 155). در حقیقت سوسور نشانه را از نگاه ساختارگرایانه مورد توجه قرار داده و درک معنای نشانه را مستلزم درک ساختار و روابط حاکم بر عناصر موجود در ساختار می‌داند.

در کنار عقاید ساختارگرایانه و زبان‌شناسانه سوسور در باب نشانه، چارلز سندرس پیرس، به عنوان یک فیلسوف به بررسی مبانی نشانه پرداخت. «نزد پیرس نشانه مفهومی پیچیده‌تر دارد: «مقصود من از نشانه یک کنش یا تأثیر است که از هماهنگی سه چیز تشکیل شده باشد: مبنای نشانه، موضوع و مورد تأویلی آن» (Ahmadi, 2010: 23). در حقیقت الگوی نشانه در نگاه پیرس الگویی سه‌تایی است که موضوعی را نشان داده که در اثر آن تفسیر صورت می‌پذیرد.

پیرس ده گونه دسته‌بندی نشانه‌ها را بیان نموده است. هر یک بر اساس ضابطه‌ای ویژه مطرح شده و میان آنها تقسیم نشانه‌ها به شمایل، نمایه و نماد کارایی بیشتری دارد و مشهورتر است. در نشانه‌های نمادین، رابطه میان دال و مدلول استوار به قرارداد است. بنا به قراردادهایی، دلالت‌های خاصی در فرهنگی ساخته می‌شود (مانند پوشیدن لباس مشکی علامت عزاست) (Ahmadi, 2010: 25-28). در بیان نشانه‌های نمادین، توجه به مفاهیم فرهنگی واجد اهمیت می‌گردد، چنان‌که «امبرتو آکو» نیز در تعریف مفاهیم نشانه به فرهنگ اشاره داشته است. «امبرتو آکو» به نقش نشانه‌ای هر پدیده و هر متن پرداخته و معتقد است که نقش نشانه‌ای رابطه‌ای قراردادی میان بیان و محتوای هر متن بوده که باید در قلمرو اجتماعی فرهنگی‌شان بررسی شود» (Dabbagh & Mokhtabad Amraei, 2011: 64). «کاترین بلزی»<sup>۲</sup> در بیان معنای فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ، ثبت شده در حکایات، تشریفات مذهبی، سنت‌ها، اشیاء و عملی از معناها در گردش در یک زمان و مکان خاص است». «از طرف دیگر فرهنگ، شیوه‌های روزمره و اهدافی را که در آن ارزش‌های یک جامعه شکل گرفته، شامل می‌شود» (Miles, 2007: 30). بنابراین مفاهیم نشانه‌ها با توجه به ارزش‌های جامعه، آداب و رسوم و سنت‌ها و به طور کلی فرهنگ جامعه می‌تواند متغیر باشد.

بر اساس موارد یاد شده، مهم‌ترین عامل در تبدیل یک نشانه به عنصری نمادین، رسوخ باورهای اعتقادی و هویتی مردم به عنوان بخشی از فرهنگ‌شان در نشانه می‌باشد، به گونه‌ای که یادآوری آن نشانه در اذهان عموم مردم، معنای یکسان را متبادر سازد؛

۱ مدلول، معنایی است که از نشانه فهمیده می‌شود. دال، چیزی است که آن معنا را می‌رساند. (Ward, 2008: 127).

2 Catherine Belsey

چنان است که در فرهنگ عمید نماد به معنای «نمود»، «نما» و «نماینده» آمده است (Amid, 1983: 1045). «نماد»<sup>۳</sup>، در معنای عام، بازنمایی ادبی یا هنری صفتی یا وضعیت با وساطت یک نشانه (مثلاً شکل جغد، خردمندی رامی نمایاند و صلیب مسیحیت را). در معنای خاص، تأویل بصری از یک موضوع انتزاعی از طریق تبدیل مشخصات پویای آن موضوع به صفات ویژه شکل، رنگ و حرکت<sup>۴</sup> می‌باشد (Pakbaz, 1999: 604). در تعریف کلاسیک کاسیرر از نماد، «هرگاه معنایی - به هر شکل - در پس حجاب شکل یا مورد محسوس پنهان شود، شکلی از نماد ایجاد می‌شود» (Ahmadi, 2010: 268). بنابراین می‌توان گفت نماد، معنایی است در پس یک نشانه که در فرهنگ جامعه نهادینه شده است.

### ۳.۳. نماد و نشانه در شهر

نشانه‌شناسی که در ابتدا در زبان‌شناسی نمود یافته بود، به تدریج به علوم دیگر راه یافت. در معماری نیز نشانه‌شناسی در دو دسته نشانه‌شناسی ساختارگرا (سوسور) و نشانه‌شناسی پساساختارگرا مورد توجه قرار گرفت. در دیدگاه نخست معماری مانند زبان از همنشینی اجزای مختلفی تشکیل شده و اجزای ساختمان مانند کلمات یک جمله، ضمن دارا بودن ارزش‌ها و نقش‌هایی جداگانه، یک مفهوم کلی را به مخاطب منتقل می‌نمایند. در دیدگاه پساساختارگرا نشانه‌شناسی به دنبال تأویل و ساخت معنا برای یک طرح معماریست (Dabbagh & Mokhtabad Amraei, 2011: 63). «معماری طیف وسیعی از واقعیت‌های اجتماعی یعنی ویژگی‌ها و منابع طبیعی، مهارت‌های حرفه‌ای، سنت تجربی و دانش عملی به کار رفته در معماری، فرآیندهای تعاون و سازمان اجتماعی و باورها و جهان‌بینی جامعه را مورد توجه قرار داده و منعکس می‌سازد» (Mumford, 2006: 530). بنابراین هر بنای معماری نشانه‌ایست که مفاهیمی بس عظیم را نمایان می‌سازد.

در پی توجه به بنا به عنوان نشانه، شهر مجموعه‌ای از نشانه‌هایی گردید که هر یک معنای خاصی را در ذهن ناظر متبادر می‌ساختند؛ بنابراین بحث نشانه‌شناسی به زمینه‌های شهری راه یافت. «در دوران پسامدرن، نشانه‌شناسی به واسطه آثاری همچون «نشانه‌شناسی و شهرسازی» (۱۹۶۷) نوشته بارت که در آن فرایندی را در خوانش شهر به مثابه یک متن ارائه می‌دهد، در ادراک شهر نیز تأثیر گذاشته است. بارت می‌گوید: یک شهر بافتی است ... از عناصر قوی و عناصر خنثی [بی‌نشان] ... (ما می‌دانیم که تقابل میان نشانه و غیاب نشانه، میان درجه پُری و درجه صفر، یکی از فرایندهای اصلی در پروراندن معناست)» (Nesbitt, 2007: 84). در حقیقت تمام اشیای تشکیل دهنده بافت شهر که دارای فرمی مشخص بوده و به چشم آیند، نشانه‌ای هستند که معنایی را از خود ساطع ساخته و بر ادراک مخاطب از شهر تأثیر می‌گذارند. اما مفهوم دیگر از نشانه را که امروزه بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد، کوین لینچ مطرح ساخت: «از خصوصیات مشخصه «نشانه»‌ها بی‌نظیر بودن آنهاست، عاملی که منحصر به فرد باشد و در ذهن خاطره‌ای بگذارد. اگر «نشانه»‌ها فرمی واضح داشته باشند، اگر با زمینه خود متضاد باشند و اگر محل آنها بر اطراف خود غالب و

مسلط باشد، شناخت آنها به آسانی بیشتر میسر است و احتمال بیشتر هست که بر آن معنایی متصور باشد؛ به نظر می‌رسد نقش، تصویر و یا فرمی که از زمینه خود متمایز باشد، مؤثرترین عامل در به وجود آوردن یک «نشانه» باشد (Lynch, 1996: 144). بنابراین ایجاد وضوح بصری در یک عنصر به طرق متفاوت، اصلی‌ترین عامل در ایجاد یک نشانه شهری است. نشانه‌ها در شهر، انواع گوناگونی را شامل می‌شوند: خصوصیات طبیعی، ساختمان‌ها و عناصر غیر ساختمان مانند هرم‌ها، فواره‌ها و مجسمه‌ها (Moughtin & Other, 1999: 104-108).

اما تبدیل یک نشانه، به نماد شهری مستلزم برقراری شرایطی وابسته به هویت و فرهنگ است. نماد عنصر اصلی تداعی معانی شهری است. عناصر می‌توانند کالبدی پایدار و ساخته شده شهری داشته باشند و با گذر زمان معانی متفاوتی را در خود متبلور سازند و به عنوان عناصر نمادین خاطره‌های جمعی، نسل‌های متفاوت را به هم پیوند زنند. نشانه‌ها نیز می‌توانند به صورتی باشند که یا وقایع و حوادث نسل حاضر را بیان کنند و یا نقشی از حضور سه نسل همزمان را متبلور سازند. نشانه‌ها هرگاه بتوانند موقعیت خود را بیش از سه نسل حفظ نمایند، می‌توانند به نماد تبدیل

گردند (Habibi & Maghsoodi, 2014: 12). از سوی دیگر موقعیت قرارگیری نشانه به همراه توجه به معانی مشترک مستتر در مفهوم یک اثر، می‌تواند عاملی بر تبدیل یک نشانه به نماد شهری گردد، چنان‌که در نشانه‌های ورودی شهری می‌تواند این چنین رخ دهد. توجه به این نکته ضروری است که نماد ورودی شهر باید در عین بدیع بودن، واجد ارزش‌های آشنای جامعه بوده و قابل فهم برای مخاطب باشد، چرا که اصل مهم در طراحی نماد، دریافت و فهم اطلاعات از اثر می‌باشد. اطلاعات از نظر محتوایی دارای تفاوت می‌باشند؛ اطلاعات زیباشناسی از احساسات ما سخن می‌گویند و عواطف ما را برمی‌انگیزانند. این اطلاعات از جنبه‌های روحی و اجتماعی تأثیر گرفته‌اند و وابستگی شدیدی به گیرنده داشته و به سختی قابل انتقال‌اند. در نقطه عکس آن، اطلاعات معناشناسی قرار دارد که فاقد ارزش زیبایی‌شناسی‌اند، ولی بیانگر معنا و مفهومی بوده و به ما چیزی می‌آموزند. از این پیام‌ها می‌توان به نتیجه مشخصی رسید و در پی آن نحوه عملکردمان نیز تعیین می‌شود (Grutter, 2010: 4). بدین روی در دریافت مناسب اطلاعات یک نماد ورودی، توجه به اطلاعات زیباشناسی در کنار اطلاعات معناشناسی اثر ضروری است.

جدول شماره ۱: مهمترین مشخصه‌های ورودی، نماد و نشانه شهری

نماد و نشانه شهری	ورودی شهر
نقش، تصویر و یا فرمی که از زمینه خود متمایز باشد، مؤثرترین عامل در به وجود آوردن یک «نشانه» (Lynch, 1996)	برقراری ارتباط فیزیکی مناسب بین شهر و پیرامون آن و هدایت‌کننده به بخش‌های مهم شهر، جذابیت بصری، خوش‌آمدگو و دعوت‌کننده، ایجاد رابطه مطلوب و مناسب با مسافر، معرفی شهر و انعکاس‌دهنده هویت و شخصیت شهر، هویت‌مندی، خدمات‌رسانی مسافر، عمل به عنوان مدخل و دروازه شهر، ایجاد حس ورود به شهر، تغییر و گذار، ایجاد فضایی پویا و حاضر در فعالیت‌های روزمره شهر، رؤیت‌پذیری عناصر مختلف و مناظر مطلوب در شهر در ورودی (Bahreiny & Alitaleb, 2003)
نمایانی یا تمایز نسبت به بافت اطراف (منحصر به فردی، برجستگی) و دلالت بر موضوعی غیر از خودش (دلالت مشترک میان شهروندان) معیارها و متغیرهای بازشناسی نشانه‌ها در فضاهای شهری هستند (Torkashvand & Majidi, 2013)	پذیرندگی، خوانایی و تشخیص (Pakzad, 2008)
تبدیل نشانه به نماد در صورت حفظ موقعیت نشانه بیش از سه نسل (Habibi & Maghsoodi, 2014)	توجه به سه حوزه طراحی ورودی شهر: حوزه نخست یا حوزه خارجی با ویژگی‌های طبیعی بیشتر، حوزه میانی یا حد واسط، حوزه داخلی که ناظر را آماده ورود به شهر می‌سازد (Torabi & Sima, 2014)
نماد، در مقابل به نشانه، چیزی است که به چیز دیگری اشاره دارد و ارزش بیرونی دارد. نماد شهری خود را از طریق پدیده‌های مختلف بیان می‌کند مانند طرح یک شهر، معماری، مجسمه، نام مکان و خیابان، اشعار و همچنین آداب و رسوم، جشنواره‌ها و مراسم، زمینه دیگر شامل اسطوره‌ها، رمان، فیلم، شعر، رپ، موسیقی، آهنگ‌ها و وب سایت‌ها، همه اینها را می‌توان به نام حامل نماد نام برد. تاکنون چهار نوع حامل نماد وجود داشته است: مادی، گفتمانی، یادمانی و رفتاری (Nas, 2011).	

### ۳.۴. نماد ورودی شهر

از نقطه نظر فرهنگی ورودی شهر معمولاً به عنوان نماد، نشانه شهر و نمایانگر فرهنگ، آداب و رسوم، شهرسازی و معماری مردم آن شهر است (Daneshpour & Mastyani, 2014: 7)، بنابراین طراحی مناسب این مبادی به میزان زیادی بر تصور مخاطب از شهر تأثیرگذار می‌باشد. در میان عناصر انسان‌ساخت ورودی شهر، اِلمان‌ها و مجسمه‌های شهری، در نمونه‌های بسیاری مورد استفاده طراحان قرار می‌گیرند. در حقیقت اِلمان در ورودی شهر، نشانه‌ای است که به سبب قرارگیری در مبدأ ورود به شهر، به عنصر هویت‌بخش و در حقیقت نماد شهری بدل می‌گردد. با توجه به بررسی کلیت این نمادهای ورودی در شهرها، سه

گونه عمده قابل بررسی است: مورد نخست نمادهایی هستند که به صورت مجسمه‌هایی بر مبنای واقعیت و به صورت رئال ساخته می‌شوند و برگرفته از عناصر سمبلیک و یا فرهنگ غالب شهر می‌باشند. این تندیس‌ها نمادهایی هستند که در عین بیان مفهوم قابل درک عموم و معرفی آسان شهر به مخاطب، به صورت عام فاقد بداعت و تازگی و در نتیجه جذابیت برای مخاطب هستند. مورد دوم نمادهایی را شامل می‌گردند که به صورت انتزاعی در ورودی شهر ساخته شده و باورهای اعتقادی مردم و عناصر هویتی شهر را به صورت غیر مستقیم به تصویر می‌کشند. در نوع دوم توجه به زیبایی اثر و وجود عناصر آشنا برای مردم در جزئیات طرح ضروری است، چرا که در غیر این صورت ارتباط میان

مخاطب و طرح برقرار نشده و نماد ورودی شهر نه تنها در معرفی شهر موفق نخواهد بود، بلکه به عنوان عنصری نازیبا و بی معنا شناخته خواهد شد. گونه سوم نمادهای انتزاعی-رنال هستند که خود بر دو قسم می‌باشند: به کاربردن تندیس‌های رنال که مفاهیمی انتزاعی را به تصویر می‌کشند و یا عناصر انتزاعی که مفاهیم واقعی را نمایش می‌دهند.

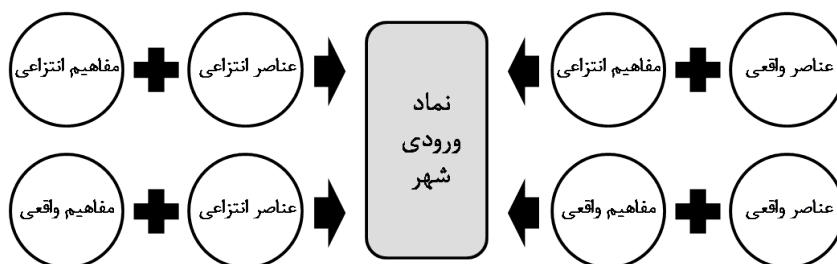
در نتیجه بررسی معیارهای مطرح شده در طراحی ورودی شهرها و همچنین عوامل مؤثر در طراحی مناسب نمادها و نشانه‌های شهری، می‌توان معیارهای زیر را در طراحی مناسب نمادهای ورودی شهر مؤثر دانست. بسیاری از معیارها و شاخص‌های مربوط به آنها، امکان انطباق با نشانه‌ها درون شهری را دارا می‌باشند، اما از آنجا که نشانه ورودی شهرها، معرف شهر برای همگان بوده (حتی مسافرانی که تنها از شهر عبور می‌نمایند) و به سبب موقعیت قرارگیری خود به سرعت به یک نماد شهری تبدیل می‌گردد، انطباق عوامل مطرح شده در جدول با نمادهای ورودی شهر و با توجه به سرعت حرکت مخاطب و دید ناظر ضروری است (جدول شماره ۳).

طراحی فرم نماد در نمونه مورد مطالعه به گونه‌ای است که امکان تزریق فعالیت در آن وجود ندارد، اما منطبق با طرح پیشنهادی فضا، تزریق فعالیت در محوطه پیرامونی آن صورت خواهد گرفت. بنابراین در زمان انجام پژوهش، تنها به بررسی شاخصه‌های کالبدی طراحی نماد، بدون در نظر گرفتن فعالیت آن پرداخته شده است.


#### ۴.۴. مورد پژوهی

##### ۴.۴.۱. نمونه مورد مطالعه

نمونه مورد مطالعه، ایمانی در ورودی شرقی شهر قزوین (ورودی از سمت تهران)، در میدان مینودراین شهر می‌باشد. میدان مینودرین و شریان‌های اطراف آن در استخوان بندی شهر قزوین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ زیرا از یک سو با قرارگیری در محل تلاقی چند شریان ارتباطی فرا شهری اصلی‌ترین شاخص ورودی شهر از سمت شرق بوده و از سوی دیگر هسته مرکزی منظومه‌ای از عملکردهای تفریحی و فراغتی در مقیاس شهر است که آن را به عنوان یک نماد شهری مطرح می‌کند. از این نظر در شهریورماه



نمودار شماره ۲: انواع نماد ورودی شهر بر مبنای عناصر و مفاهیم سازنده

نوع نماد	فرم	مفهوم	مکان
رنال (واقعی)	 منبع: <a href="http://www.shahrekhbar.com/tourism/1434433260638485">http://www.shahrekhbar.com/tourism/1434433260638485</a>	یادمان سربداران	شهر سبزوار
انتزاعی	 منبع: تک‌لنده	دروازه ای از بهشت	شهر قزوین
انتزاعی-رنال	 منبع: <a href="http://www.panoramio.com">www.panoramio.com</a>	پرواز های شجاعانه و سیمرغ گونه خلبان شهید خلعتیری	شهر رامسر
انتزاعی-رنال	 منبع: <a href="http://www.betrah.com/photo/show.php?pid=73160106&amp;id=5344175">http://www.betrah.com/photo/show.php?pid=73160106&amp;id=5344175</a>	قوزه پنبه	شهر گرگان

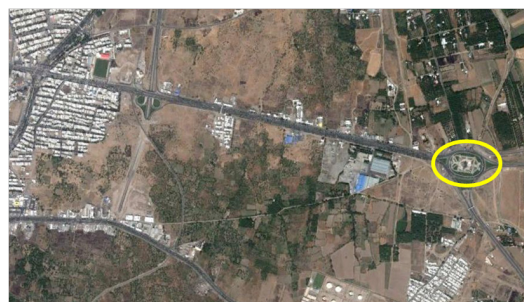
جدول شماره ۲: نمونه نمادهای ورودی شهرها

جدول شماره ۳: معیارهای طراحی نماد ورودی شهر

ردیف	معیار	شاخصه‌های کالبدی	شاخصه‌های عملکردی
۱	زیبایی	- زیبایی فرم - زیبایی رنگ - نورپردازی مناسب در شب - توجه به دید ناظر در تمام جهات	
۲	خوانایی اثر	- وضوح رنگی اثر در زمینه - اندازه مناسب - مکانیابی مناسب در فضا - جایگاه مناسب نماد نسبت به سطح زمین (فاصله از کف) - وضوح نماد در شب	- فعالیت شاخص در کالبد اثر - تزریق کاربری با جذب جمعیت بالا
۳	معرفی شهر	- مبین هویت شهر و فرهنگ ساکنان - هماهنگی فرم‌های به‌کاررفته در اثر با ساختارهای ذهنی مخاطب - دعوت‌کننده به شهر	- تزریق فعالیت‌های سنتی و شاخص شهر در کالبد نماد



تصویر شماره ۴: ایلمان میدان مینودر



تصویر شماره ۳: موقعیت میدان مینودر

امتیاز آن بوده و در صورت قرار داشتن در زیر میانگین امتیازات (میانگین: ۳,۵)، از دید مخاطبان ضعف در آن بخش وجود دارد. بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌های مردمی، ۱۸ درصد مردم اعلام کردند که معنای نماد را (به مفهوم در بهشت) می‌دانند که از این تعداد حدود ۲۸ درصد با تشخیص خودشان به این مفهوم دست یافته‌اند. از سوی دیگر تنها حدود ۲۲ درصد مردم در پاسخ به این سؤال که "نماد ورودی قزوین چه مفهومی را در ذهن شما یادآور می‌شود" به دروازه یا در بهشت اشاره نموده‌اند. این عامل نشان از ضعف نماد در برقراری ارتباط با ساختارهای ذهنی مخاطبان (که یکی از شاخصه‌های کالبدی طراحی نماد ورودی شهرهاست) دارد. همچنین ۲۸ درصد مخاطبان مردمی آیه قرآن نوشته شده بر کتیبه نماد (بخشی از آیه ۱۲۶ سوره بقره) را دیده‌اند (که البته عده بسیاری از این تعداد از مضمون آیه بی‌اطلاع بوده‌اند) که این موضوع نشان دهنده بی‌توجهی به حرکت سریع ناظر در طراحی جزئیات نماد می‌باشد. رنگ آیه نوشته شده و اندازه آن متناسب با سرعت حرکت ناظر و ابعاد فضا نیست. در نهایت ۵۵ درصد از مردم این المان را به عنوان نماد ورودی قزوین پسندیده‌اند. دلیل عمده‌ای که مردم در پذیرش نماد بیان نموده‌اند، زیبایی آن بوده است. بر اساس نظرسنجی از دانشجویان، کارشناسان و متخصصان معماری و شهرسازی، ۳۳ درصد معنای نماد را (به مفهوم در بهشت) می‌دانند. ۴۰ درصد در پاسخ به این سؤال که "نماد ورودی قزوین چه مفهومی را در ذهن شما یادآور می‌شود" به

۱۳۸۵ طرح این نماد شهری از طریق فراخوان عمومی به مسابقه گذاشته شد. پس از انجام داوری، این طرح به عنوان طرح برگزیده به تصویب رسید. در بهمن ماه سال ۱۳۸۵ قرارداد طراحی فاز یک و دو پروژه انجام شده و پس از دو مرحله بازنگری در اسفندماه ۸۸ عملیات اجرایی آن آغاز شد (سایت شهرداری قزوین). ساخت مجموعه فرهنگی در زیر نماد ساخته شده همچنان ادامه دارد. در تفسیر نماد این چنین بیان شده است که رنگ سفید بنا و ساختار دعوت‌کننده آن تمثیلی است از مینودر یا دروازه بهشت (باب‌الجنه) که یکی از نام‌های شهر قزوین و نیز نام میدان محل قرارگیری پروژه می‌باشد (سایت شهرداری قزوین). بنابراین بر مبنای مطالعات انجام گرفته در بخش پیش، این نماد، از نوع انتزاعی است و باید دید با جایگاه ویژه خود در شهر و پشتوانه مفهومی بیان شده تا چه اندازه با مخاطب ارتباط برقرار کرده و مورد پسند مردم می‌باشد.

#### ۴,۲. یافته‌های پژوهش

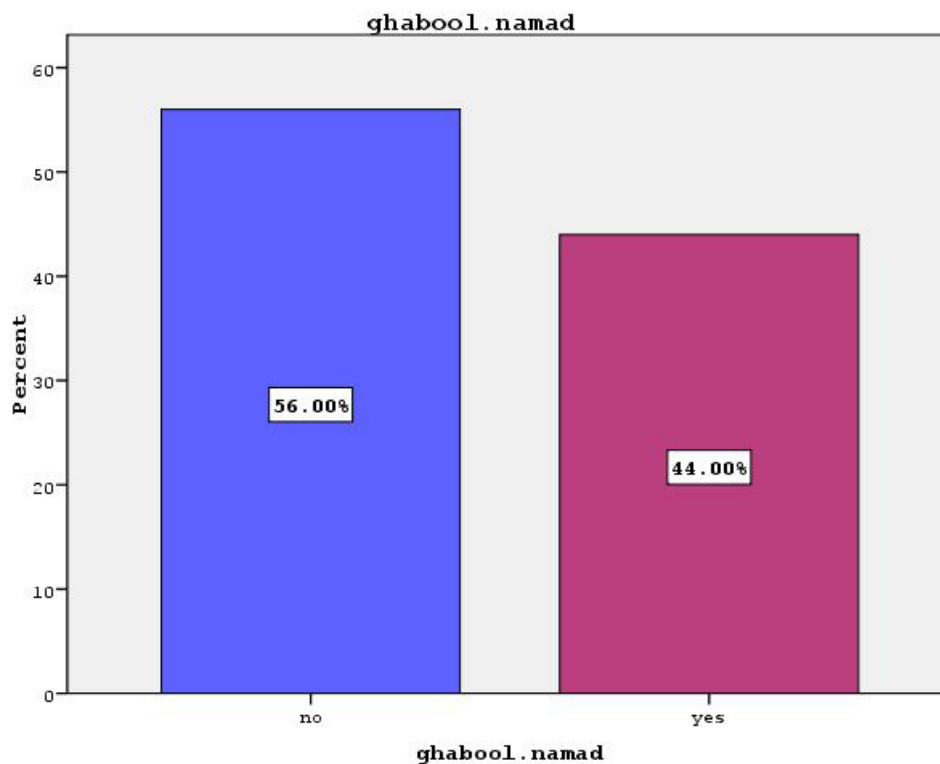
به منظور ارزیابی نظرات مردم و دانشجویان و متخصصان معماری و شهرسازی، دو گونه سؤال مطرح شده که بخش نخست، سئوالاتی مربوط به نظرات مخاطب در مورد مقبولیت و فهم معنای نماد بوده و در دو جامعه مورد بررسی مشترک می‌باشد. گونه دوم، سئوالات مختص جامعه دوم (دانشجویان و متخصصان معماری و شهرسازی) بوده و شاخصه‌های ارزیابی را شامل می‌گردد که امتیازات مربوط به هر شاخصه از ۱ تا ۶ متغیر می‌باشد. بر این اساس میانگین امتیازات داده شده به هر شاخص، نشان دهنده

دروازه یا در بهشت اشاره نموده‌اند. در مجموع در این نمونه ۲۰۰ نفری، ۲۵٫۵ درصد معنای نماد را می‌دانند و در ۳۱ درصد نمونه، ساختارهای ذهنی مخاطبان با مفهوم فرم‌های به کار رفته در نماد منطبق می‌باشد که این موضوع نشان از ضعف اثر در ارتباط با ساختارهای ذهنی مخاطب می‌باشد.

در مقایسه قبول نماد توسط مردم (۵۵ درصد)، حدود ۶۷ درصد گروه دوم طراحی اِلمان را به عنوان نماد ورودی شهر مناسب نمی‌دانند. عدم رضایت دانشجویان و متخصصان به طور عمده عواملی چون عدم درک مفهوم آن توسط مردم و ارتباط با ناظر، عدم ارتباط با تاریخ و هویت شهر، نامناسب بودن از منظر زیبایی‌شناسی و طراحی غیر قابل قبول را شامل می‌شده است. این در حالی است که عمده دلیل مردم در پذیرش نماد، زیبایی و جذابیت آن بوده است. در کل می‌توان گفت ۴۴ درصد نمونه،

المان را به عنوان نماد ورودی قزوین پذیرفته‌اند. بر اساس امتیازدهی شاخصه‌های طراحی، نمایش هویت شهر توسط نماد، کمترین امتیاز (۲٫۵۷) و مکان مناسب نماد بیشترین امتیاز (۴٫۶۶) را به خود اختصاص داده‌اند. بر مبنای امتیازات تعلق گرفته به شاخصه‌ها، تنها چهار گزینه اندازه مناسب، وضوح نماد در شب، فاصله از کف و مکانیابی مناسب در فضا، امتیازاتی بیشتر از میانگین (۳٫۵) را به خود اختصاص داده‌اند، که این موضوع نشان از وجود ضعف در سایر بخش‌ها از دید کارشناسان است.

در جدول شماره ۵، بر مبنای امتیازات شاخصه‌ها، امتیاز معیارهای طراحی به لحاظ کالبدی مورد بررسی قرار گرفته است که بر مبنای آن، تنها مؤلفه خوانایی، امتیازی بالاتر از میانگین را به خود اختصاص داده و از نگاه کارشناسان مناسب بوده است.



نمودار شماره ۳: درصد فراوانی قبول نماد در کل نمونه

		فرم زیبا	رنگ زیبا	نورپردازی مناسب در شب	توجه به دید ناظر در تمام جهات	وضوح رنگی اثر در زمینه	اندازه مناسب
N	Valid	100	100	100	99	100	99
	Missing	0	0	0	1	0	1
Mean		<u>2.89</u>	<u>3.40</u>	<u>3.42</u>	<u>3.22</u>	<u>3.33</u>	<u>4.38</u>
Mode		2	4	4	4	4	5

		مکانیابی مناسب در فضا	فاصله از کف	وضوح نماد در شب	مبیین هویت شهر و فرهنگ ساکنان	ملمنکی فرمهای به کار رفته در اثر با ساختار ذهنی مخاطب	دعوت کننده به شهر
N	Valid	99	98	98	98	100	100
	Missing	1	2	2	2	0	0
Mean		<u>4.66</u>	<u>3.93</u>	<u>4.07</u>	<u>2.57</u>	<u>2.87</u>	<u>3.30</u>
Mode		5	5	4	1	4	3

جدول شماره ۴: امتیازات تعلق گرفته به شاخصه‌های نماد ورودی قزوین توسط دانشجویان، کارشناسان و متخصصان معماری و شهرسازی



### جدول شماره ۵: تحلیل معیارهای کالبدی طراحی نماد ورودی قزوین

معیار	امتیاز	
زیبایی	۳,۲۳۲	نقاط قوت رنگ مناسب نماد در زمینه آبی آسمان و همنشینی زیبای دو رنگ آبی و سفید؛ نورپردازی نسبتاً جذاب در شب
		نقاط ضعف تنش شدید در نماد به دلیل قرارگیری قوس داخلی در کنار فرم خشن و با گوشه‌های تیز کلیت بیرونی المان، بدون ترکیب مناسب این دو و همچنین عدم رعایت وزن در ساختار کلی نماد؛ عدم توجه به دید ناظر در جهات مختلف طی حرکت به دور میدان و فرم‌های نامفهوم در برخی جهات دید
		پیشنهادها افزودن عناصر جدید به نماد، به گونه‌ای که دید مناسب در جهات دیگر را تأمین کرده و تنش شدید موجود در فرم نماد را تعدیل نماید؛ استفاده از نورپردازی به منظور ترکیب مناسب فرم‌های متضاد
خوانایی اثر	۴,۰۷۴	نقاط قوت تناسب اندازه اثر با مقیاس فضا؛ مکانیابی مناسب نماد در میانه میدان؛ فاصله نسبتاً مناسب المان از سطح زمین؛ وضوح المان در شب به کمک نورپردازی
		نقاط ضعف وضوح رنگی نسبتاً پایین نماد در زمینه
		پیشنهادها نورپردازی اثر در روز به منظور روشنایی و وضوح قسمت تاریک فرم؛ تقویت لبه‌های بیرونی فرم
معرفی شهر	۲,۹۱۳	نقاط قوت فرم مرتبط با نام مکان و شهر؛ استفاده از قوس در ارتباط با معماری تاریخی و اسلامی؛ فرم گشوده المان به دو سمت، دعوت کننده به شهر
		نقاط ضعف عدم ارتباط نماد با ویژگی‌های بومی و سنتی شهر قزوین؛ ارتباط ضعیف فرم نماد با ساختارهای ذهنی مخاطب و درک پایینی از مفهوم آن
		پیشنهادات به کارگیری عناصر مرتبط با شاخصه‌های فرهنگی، هنری و تاریخی شهر همچون سابقه درخشان خوشنویسی در این شهر و بناهای تاریخی آن در طرح توسعه نماد



تصویر شماره ۵: المان مینودر از دید ناظر در جهات مختلف

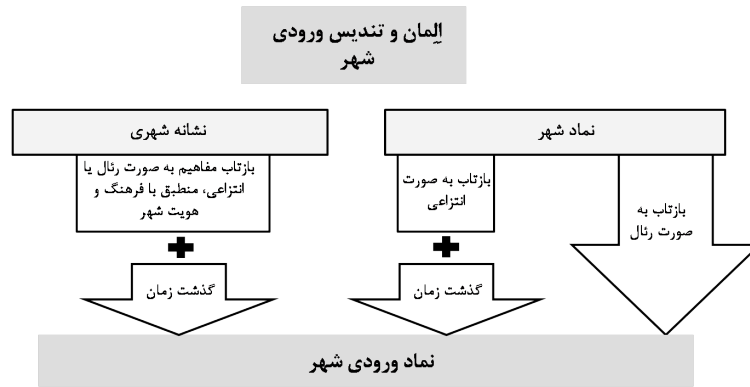
#### ۵. نتیجه‌گیری

چنان‌که بیان شد، هدف از انجام این پژوهش دستیابی به معیارهای لازم در طراحی نمادهای ورودی شهرها و ارزیابی کیفیت نماد ورودی شهر قزوین بر اساس معیارهای کالبدی است. نشانه‌های ساخته شده در ورودی شهرها، در صورت دارا بودن مفاهیم قوی و مرتبط با فرهنگ مردمی و با گذشت زمان و پذیرفته شدن توسط عامه مردم، به نمادهای شهری بدل می‌گردند. بنابراین طراحی آنها نیازمند توجه به تمام ابعاد بصری و ادراکی آنهاست. بر این اساس زیبایی، خوانایی اثر و معرفی شهر (در دو بعد کالبدی و عملکردی) سه معیار اصلی طراحی نماد ورودی شهرهاست تا ضمن خوشایند بودن جلوه بصری آن، مفاهیم لازم مرتبط با هویت شهر را به ذهن مخاطب متبادر سازد (نمودار شماره ۴).

بر اساس پژوهش انجام‌گرفته پیرامون المان مینودر، در مجموع نمونه، درصد بیشتری از مخاطبان المان را به عنوان نماد ورودی

#### قزوین مورد قبول نمی‌دانند.

از میان سه معیار بیان شده، بر مبنای امتیازدهی نمونه دوم، در بخش کالبدی، المان مینودر در معیار خوانایی اثر، دارای بیشترین امتیاز می‌باشد که این امر تا حد زیادی به دلیل اندازه و مکانیابی مناسب نماد است. زیبایی اثر در دره بعدی قرار می‌گیرد و امتیازی پایین‌تر از میانگین را به خود اختصاص داده و عمده دلیل ضعف آن، عدم توجه به دید ناظر در تمام جهات و فرم نه چندان زیبای آن (تنش شدید در فرم) است. در نهایت معرفی شهر ضعیف‌ترین معیار در طراحی المان مینودر ارزیابی شده و این عامل ناشی از عدم ارتباط فرم المان با هویت شهر و ساکنان و به سختی درک شدن مفهوم المان توسط مخاطبان است (این نماد بر مبنای مینودر که یکی از نام‌های قزوین است به صورت انتزاعی طراحی شده، اما به دلیل عدم ارتباط با شاخصه‌های هویتی فرهنگی و تاریخی شهر و عدم انطباق با ساختارهای ذهنی مخاطبان، به سختی قابل درک است).



نمودار شماره ۴: شمای کلی روند تبدیل ایمان و تندیس به نماد ورودی شهر

Criteria for Designing of the City Entrance”. Mohitshenasi. Volume 29:13-36. (In Parsian).

- Cahoone. Lawrence E.(2009). “From modernism to post modernism: an anthology”. Persian Editor: Abdolkarim Rashidian. Saussure. Ferdinand de: Lessons of general linguistics. Translation to Persian by Mahtab Bolouki. 7<sup>th</sup> edn. Ney Press. (In Parsian).
- Carmona, Matthew & Steve Tiesdell (2011). “Urban Design Reader”. Translation to Persian by Kamran Zekavat & Farnaz Farshad. Azarakhsh Press. (In Parsian).
- Dabbagh. Amirmasaood & S. Mostafa Mokhtabad Amraei (2011). Interpretation of Post-modern Architecture with Semiotics Perspective. The Identity of the City. Volume9: 59- 72. (In Parsian).
- Daneshpour. S.Abdolhadi & Mahdi Mastyani (2014). “Developing of Design Strategies of Cities Entry Points with Perceptual- Visual Qualities (The Case Study: The Southeast Entrance of Tehran Metropolis)”. Iranian Architecture & Urbanism. Volume 7: 5-22. (In Parsian).
- Gharib. Fereidoun (2003).”Accounting Standards and Urban Design Criteria for Entry Cities”. Honarha- ye- Ziba. Volume 15: 28-41. (In Parsian).
- Grutter. Jorg Kurt (2010). “Asthetik der Architektur” Translation to Persian by Mojtaba Dolatkah & Solmaz Hemmati. Dolatmand Press. (In Parsian).
- Habibi. S. Mohsen & Maliheh Maghsoodi (2014). “Urban Renovation”. 7<sup>th</sup> edn. University of Tehran Press. (In Parsian).
- Lynch. Kevin (1996). “The Image of the City”.

کلام آخر آن که نماد ورودی شهرها، معرف شهر، هویت آن و تاریخ و فرهنگ ساکنان آن در ابتدای ورود به شهر و دارای مخاطبان فراوان (اعم از ساکنان و مسافران) است و از سوی دیگر می تواند به عنوان یک عنصر هویت ساز شهری عمل نماید. بنابراین طراحی آن نیازمند توجه دقیق به ابعاد ادراکی و بصری است. در این میان به منظور درک معنای ایمان و برقراری ارتباط بین مخاطب و اثر، دوارها کار اساسی پیشنهاد می گردد:

۱. طراحی ایمان به کمک فرم رتال (با مفهوم انتزاعی یا رتال در ارتباط با هویت، فرهنگ و تاریخ شهر همچون نماد ورودی شهر سبزوار).
  ۲. طراحی ایمان با فرم انتزاعی واجد معیارهای زیبایی شناسانه مورد پسند عامه مردم و با استفاده از فرم های هماهنگ با ساختارهای ذهنی مخاطب و طبیعت انسانی (همچون برج آزادی در ورودی شهر تهران).
- از سوی دیگر، تزریق عملکرد مناسب به فضا، توجه به ورودی شهرها به عنوان یک مکان شهری پویا و ترکیب نماد ورودی شهرها با فعالیت های گوناگون، خود عاملی بر تقویت معیارهای کیفیت ایمان ورودی شهرها به صورت عام بوده و بر جنبه های مختلف طراحی اثرگذار خواهد بود.

## References:

- Ahmadi. Babak (2010). “The Structure and Interpretation of the Text”. 12<sup>th</sup> edn. Markaz Press. (In Parsian).
- Ahmadi. Babak (2010). “Truth and Beauty”. 19<sup>th</sup> edn. Markaz Press. (In Parsian).
- Amid. Hassan (1983). Amid Persian Dictionary. 18<sup>th</sup> edn. Amir- Kabir Press. (In Parsian).
- Amir yar ahmadi. Mahmood (1999). “Into The Humanist Urbanism”. Processing and Urban Planning Company. (In Parsian).
- Bahreiny. S. Hossein. Alitaleb Baboli (2003). “Codification of Environmental Principles and

the City Entrance Using Identifying the Urban Space Approach. The Case Study: East Entrance of Zanjan". Urban Management. Volume 36: 83-104. (In Parsian).

- Torkashvand. Abbas & Sahar Majidi (2013). "Recognizing some Signs in Urban Spaces". Iranian Architecture & Urbanism. Volume 6: 5-15. (In Parsian).
- Ward. Glenn (2008). "Postmodernism". Translation to Persian by Ghader fakhr Ranjbari & Aboozar Karami. 2<sup>nd</sup>. Mahi Press.(In Parsian).

Translation to Persian by Manoochehr Mozayeni. 4<sup>th</sup> edn. University of Tehran Press. (In Parsian).

- Madanipour. Ali (2011). "Designing the City of Reason Foundations and frameworks". Translation to Persian by Bahador Zamani, University of Tehran Press. (In Parsian).
- Miles. Malcolm (2007). "Cities and Cultures". New York: Routledge.
- Moughtin. Cliff. & Taner Oc & Steven Tiesdell (1999). "Urban Design: Ornament and Decoration". 2<sup>nd</sup> edn. London, Architectural Press.
- Mumford. Lewis (2006). "The Culture of Cities". Translation to Persian by Aref aghvami. Ministry of Housing and Urban Development. (In Parsian).
- Nas. J.M. Peter (2011). "Cities Full of Symbols A Theory of Urban Space and Culture". Leiden: Leiden University Press.
- Nesbitt. Kate (2007). "Theorizing New Agenda for Architecture an Anthology of Architectural Theory, 1965 - 1995." Translation to Persian by Mohammad-Reza Shirazi. 2<sup>nd</sup>. Ney Press. (In Parsian).
- Pakbaz. Rooein (1999). "The Art Dictionary (Painting, Statuary, Graphics)". Farhang-e-Moaser Press. (In Parsian).
- Pakzad. Jahanshah (2008). "The Guide of the Design of Urban Spaces in Iran". 4<sup>th</sup> edn. Shahidi Press: Ministry of Housing and Urban Development. (In Parsian).
- Qazvin Municipality. {Wednesday, January 29, 2014, 22:27}, <<http://www.qazvin.ir/web/guest/243>>
- Ramin. Ali & Kamran Fani & Mohammad-Ali Sadat (2010). "Danesh-Gostar Dictionary". Volume15. Danesh- Gostar- e- Rooz Press. (In Parsian).
- Soltanzadeh. Hossein (1993). "Entry Spaces in the Traditional Architecture of Iran". Tehran, Cultural Research Bureau. (In Parsian).
- Tabeyi. Ahmad (2005). "The Relationship between Postmodern Ideas and Indeterminacy: Comparative Study of Philosophy and West Art". Ney Press. (In Parsian).
- Torabi. Zohreh & Yalda Sima (2014). "Designing